سخن نامکرر عشق

نگاهی به *جامعه‌شناسی عشق*

در حالی‌که شاهد انواع کتاب‌ها درباره عشق هستیم که هر روز روانه بازار می‌شود مانند *ملت عشق*[[1]](#footnote-1) ، *احساس عشق: دانش جدید و متحول‌کننده درباره روابط عاشقانه[[2]](#footnote-2)*، *درباره عشق: مقالاتی از مارتا نوسباوم، رابرت سالومون و...[[3]](#footnote-3)*، *از زیر و بم عشق: سیری در نظریه‌ها و رویکردها*[[4]](#footnote-4)، *درباره‌ی عشق*[[5]](#footnote-5)، *جستارهایی در باب عشق*[[6]](#footnote-6)، در فارسی جای نگاهی جامعه‌شناختی به عشق خالی بود که انتظار می‌رفت و می‌رود کتابی با عنوان *جامعه‌شناسی عشق[[7]](#footnote-7)* آن را پر کند لذا کسانی که علاقه‌مند مباحث جامعه‌شناختی درباره عشق هستند می‌توانند از این منظر کتاب را بررسی کنند.

این کتاب شامل 4 بخش است: در فصل اول نویسنده سعی دارد تعریفی از عشق ارائه دهد و در مورد ریشه‌شناسی و انواع و جایگاه آن در اسطوره‌ها و ادیان سخن گوید؛ در فصل دوم نویسنده با رویکردی ادبی- عرفانی به موضوع عشق می‌پردازد که بیشتر بر اشعار و شاعران سنتی ادب پارسی تمرکز دارد؛ فصل سوم دارای رویکردی فلسفی است و عشق از منظر فلاسفه غرب و فیلسوفان اسلامی تبیین می‌شود؛ در فصل آخر نویسنده به سراغ رویکرد روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی می‌رود و همچنین نظری به جامعه‌شناسی عشق در ایران دارد.

طلوعی در فصل اول با جمع‌بندی تقسیمات روزبهان، افلاطون، ابن سینا و دیگر ادبا، عرفا و فلاسفه به دسته‌بندی می‌رسد که در آن چهار نوع عشق جای می‌گیرد: مذموم و محمود و حقیقی و مجازی.

الف) عشق مذموم: «از فرط شهوانی برمی‌خیزد و اگر بر وجود انسان غالب شود، موجب گمراهی و ضلالت او می‌گردد. این نوع عشق، به شکل گذرا از حسن صورت پدید می‌آید و با وصال پایان می‌پذیرد.» (طلوعی، 1397: 49). ب) عشق محمود: نشانه‌های عشق آن است که جسمانی نیست، گذشت زمان در آن خللی ایجاد نمی‌کند، عاشق را از قید و بند خود رها می‌سازد، وجود او سراسر عشق به حق می‌شود. ج) عشق مجازی: عشق مجازی دامنه وسیعی دارد یعنی منحصرا عشق انسان به انسان نیست بلکه عشق ورزیدن به هرگونه معشوقی غیر از ذات احدیت، مجازی است. (همان: 50). د) عشق حقیقی: عشق حقیقی آن است که عاشق متوجه معشوق حقیقی باشد و او را به ذات دوست بدارد نه اینکه او را برای رسیدن به چیزی دیگری بخواهد. از آنجا که انسان عاشق خداست، روح او با این عشق حقیقی و روحانی همراه و متحد است، این همان معنا «فناء فی الله» است. (همان: 51).

در فصل اول، نویسنده به عشق در ادیان نیز توجه دارد: الف) عشق در تورات و اناجیل: عشق در تورات، کتب عهد عتیق و صحف انبیا، اغلب از جنبه ظاهری، نفسی و به‌وجهی بسیار مبتذل بوده و عشق حقیقی در کتب مقدس بسیار کم دیده می‌شود (همان: 59). ب) عشق در ادیان هندی: در ادیان و مکاتب هندی، عشق به دو وجه «بهاگتی یوگا» یا «بهاگاوات گیتا» مطرح شده که از جهاتی شبیه به عرفان اسلامی است (همان: 61). ج) عشق در آیین زرتشت: کسانی که راه درست اهورایی را پیش می‌گیرند و با زشتکاران و کج‌اندیشان ستیز می‌کنند در حقیقت عاشق پروردگار هستند. بنابراین عشق انسان به خداوند در کردارش جلوه می‌کند و در پرتو نیروی اراده، پاک‌منشی، راستی، ایمان به خدا، زندگی پایدار و نیروی معنوی افزایش خواهد یافت (همان: 61). د) عشق در اسلام: در قرآن کلمۀ عشق به کار نرفته است، اما به جای عشق واژه «حبّ» آمده است (همان: 67).

در فصل دوم نویسنده با رهیافت ادبی- عرفانی، ادب پارسی را مدنظر خود قرار می‌دهد؛ توضیحی در مورد خاستگاه عشق و عشق جسمانی و بعد از آن توضیحی در مورد معروف‌ترین عشاق در ادب پارسی می‌دهد که عبارتند از: ویس و رامین، سیاوش و سودابه، زال و رودابه، رستم و تهمینه، بیژن و منیژه، خسرو وشیرین و لیلی و مجنون. در ادامه طلوعی بحثی را در مورد جایگاه جنسیت در عشق مطرح می‌کند و اعتقاد دارد برخلاف این تصور که در قالب ادبیات عشق به غبرهمجنس رواج داشته است، دلایل زیادی وجود دارد که نشان‌دهنده عشق به هم‌جنس و گستردگی آن در ادبیات است. در زیر عنوان معشوق در شعر کلاسیک و معاصر، طلوعی به اجحافی که در حق زنان در مقام عاشق می‌شده است اشاره می‌کند:

بی‌گمان در قرون گذشته در میان ادبیات وسیع عشق‌های مذکر و طبیعی، کمتر می‌توان صدای زنی را شنید، آن هم در نقش عاشق. این امر به هیچ وجه حاکی از این نبوده است که زنان، عاشق نمی‌شده‌اند یا شعر نمی‌سروده‌اند، بلکه بیش از هر چیز حکایت از سانسور شدید این نوع داشته است. در جایی که مردان مجاز به اظهار هر نوع عشق و حتی عشق مذکرند، زنان حتی اجازه اظهار عشق طبیعی و پاک را ندارند (همان: 101).

و داستان عشق رابعه بلخی به بکتاش (یکی از غلامان برادر خود حارث) را بسط می‌دهد و نتیجه می‌گیرد:

عشق بویژه از سوی زن، مانند هر عمل نیک و زیبای دیگر چون شعر، موسیقی، رقص، خنده و شادی و در یک کلمه زندگی، در رسوم عرب محکوم بود، زیرا چنانکه می‌دانیم زن در آیین عرب فاقد ارزش‌های انسانی است و عشق، عالی‌ترین ارزش انسانی است. بنابراین اگر عشق زنی پذیرفتنی باشد، وی دارای سجایای انسانی می‌گردد و این خلاف رسوم تمدن عرب است (همان: 51).

در ادامه همین فصل نویسنده از اهمیت شعر عرفانی یاد می‌کند و عشق و ساحت‌های ادبی، معرفتی و سلوکی آن را از کشفیات مهم اهل عرفان می‌داند و عشق در سروده‌های سنایی، عطار و مولوی را نیز توصیف می‌کند. اندیشه عرفانی اذعان می‌دارد:

در رهیافت عرفانی عشق، به جهان‌بینی شهودی – عرفانی و تعبیر معنایی هستی و انسان پرداخته می‌شود. در این رهیافت عالم و آدم تجلی‌گاه خدا و مظهر اسماء‌الله هستند و عشق حقیقی به واسطه توجه به جمال مطلق حاصل می‌شود. بحث عشق در عرفان نظری و عملی، جایگاه ویژه‌ای دارد و از گوهری‌ترین و محوری‌ترین مفاهیم هستی‌شناسانه در عرفان است (همان: 124).

مرحله تحقق عاشق و معشوق 2. مرحله اتحاد عاشق و معشوق 3. مرحله قلب عاشقی و معشوقی به عنوان مراحل سه‌گانه عشق از دیدگاه عرفا و 1. یقظه 2. توبه 3. انابه 4. محاسبه 5. تفکر 6. تذکر 7. اعتصام 8. فرار 9. ریاضت 10. سماع 11. فراق 12. وحدت نیز به عنوان منازل عشق در عرفان در این فصل ذکر می‌شوند. عشق از دیدگاه احمد غزالی، عین القضات همدانی و روزبهان بقلی شیرازی نیز در پایان این فصل مطرح می‌شوند.

در فصل سوم، طلوعی فلسفه را محور رهیافت خود قرار می‌دهد و به سراغ فیلسوفان مشهور می‌رود و عشق را از نگاه آنها بیان می‌کند. فیلسوفان را در زیر دو عنوان نام می‌برد: 1- عشق در فلسفه یونان که نظر ارسطو، افلاطون، فلوطین، آگوستین، دانته، لئون ابریو، شوپنهاور، سیمون وی، سیمون دوبووار، لوس ایریگارای و ماکس شلر را بیان می‌کند. 2- عشق در فلسفه اسلامی که در آن به پیش‌فرض‌های سه مکتب مشاء، اشراق و متعالیه، شباهت‌ها و تفاوت‌های سه مکتب فلسفی برجسته اسلام، فطری بودن عشق در مکاتب اسلامی، اطلاق عشق به خداوند در سه مکتب، رابطه عشق با زیبایی از نظر شیخ اشراق، کیفیت فراق و وصال از نظر فلاسفه و عرفا، شوق در آرای فلاسف، تقابل عقل و عشق، استنتاج کلی سه مکتب برجسته فلسفه اسلامی و سریان عشق در کائنات از نظر فلاسفه یونان و فلاسفه مسلمان پرداخته می‌شود.

فصل چهارم و درواقع فصل آخر به رویکرد جامعه‌شناسی می‌رسد؛ ابتدا چند نظریه را در این حیطه باز می‌کند: نظریه مبادله، نظریه تضاد، نظریه کنش متقابل نمادین. بعد از آن بحث دسته‌بندی انواع احساسات را پیش می‌کشد و از دیدگاه پژوهشگران مختلف این دسته بندی را نشان می‌دهد: طبقه‌بندی کمپر، طبقه‌بندی پلات چیک، طبقه‌بندی هوچس چیلد، طبقه‌بندی ارتونی، طبقه‌بندی ترنر، طبقه‌بندی استریکر، طبقه‌بندی گوردون. طلوعی در ادامه همین فصل روان‌شناسی اجتماعی را نقطه اتصال علوم اجتماعی در موضوع عشق می‌داند و بر این باور است روان‌شناسی اجتماعی این قابلیت را دارد که یکپارچگی بیشتری در دو مجرای پژوهش اجتماعی (روان‌شناختی و جامعه‌شناختی) ایجاد کند.

در همین فصل، نویسنده، علاوه بر این طبقه‌بندی‌ها، مباحث دیگری را می‌گنجاند: زمینه‌های جاذبه میان فردی، همجواری، ابراز عواطف مثبت هنگام برخورد، الگوی عاطفه مرکزی جاذبه، نیاز به پیوندجویی، ویژگی‌های ظاهری، مشابهت در نگرش، مکمل بودن نیازها، الگوی دلبستگی، تفاوت عشق و دوست داشتن، سیر تاریخی عشق در غرب، دگرگونهای تاریخی عشق، آینده ازدواج و عشق، افزایش عشق دوجانبه، زنینه‌سازی عشق. بعد از این مباحث نظریه‌های اجتماعی عشق را مطرح می‌کند: الف) نظریه نیازخواهی عاشقانه مازلو، ب) نظریه دیالوگ عاشقانه اریک فروم و در ادامه نیز به عشق مادرانه، عشق پدرانه، عشق جنسی، عشق به خود، عشق به خدا، عشق‌های نوروتیک، عشق بت‌پرستانه و عشق واقعی می‌پردازد.

نظریه‌ها موضوع دیگری است که در این فصل طلوعی آنها را مرکز توجه قرار می‌دهد: نظریه تسلسل عشق ایرا ریس، نظریه نیازهای مکمل وینچ، نظریه رنگ‌آمیزی عشق جان لی، نظریه مثلثی عشق استنبرگ، نظریه مناسک عشق‌ورزی سگالن، نظریه همزیستی عشق دانینو، نظریه جایگزینی عشق پارسونز، نظریه تفاوت فرهنگی و عشق ویلیام گود، نظریه عشق سیال گیدنز، نظریه مارپیچ قدرت عشق فوکو، نظریه کالایی شدن عشق باومن، نظریه‌ تجاری‌سازی ایوانز.

در پایان این فصل، جایگاه عشق در خانواده امروز ایران بسط داده می‌شود و نویسنده معتقد است:

بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند که مهم‌ترین ویژگی خانواده امروز، وجود رابطه عاشقانه بین زن و مرد است. این امر تاحدی است که بسیاری از زوج‌ها با از دست دادن رابطه عاشقانه، تصمیم به جدایی می‌گیرند. اشکال متنوع روابط خانوادگی در غرب نیز بر پایه شیوه نگرش به عشق و تمهیدی برای حفظ عشق در روابط بین دو جنس است. در ایران نیز بویژه با جریان مدرنیته، وجود ارتباط عاطفی بین دو جنس به عنوان معیاری برای ازدواج مطرح گردید. گرچه در حال حاضر هنوز معیارهای متنوعی برای انتخاب همسر است، عشق چه در بیان و چه در عمل، معیاری جدی برای زوجین محسوب می‌شود (همان: 337). اما هنوز عشق و استمرار در عشق به عنوان معیار خانواده امروز، دغدغه اصلی بسیاری از افراد در انتخاب همسر است، به نحوی که سهم ازدواج‌های برپایه انتخاب پسر و دختر نسبت به گذشته بسیار بیشتر شده است (همان: 338).

در سخن آخر، طلوعی عشق را از مباحث جامعه‌شناسی می‌داند چرا که معتقد است در ارتباط با دیگر پدیده‌های اجتماعی است و نگاه رویایی در این رویکرد جایگاهی ندارد و در ادامه بیان می‌کند:

عشق تحت تاثیر تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هر دوران خاصی است. در دوره رنسانس مهم‌ترین تغییر در مسئله عشق، غلبۀ عشق مجازی بر عشق حقیقی است که عشق به امری فراگیر و مهم‌ترین دلیل ازدواج تبدیل می‌شود. در گذار به مدرنیتۀ متاخر و دنیای مصرف و لذت خرید، عشق پیوند خود را با ازدواج و خانواده هسته‌ای از دست می‌دهد. نوع عشق جدید برخلاف عشق قبلی که تولید‌کننده بود، عشقی مصرف‌کننده است و افراد سعی می‌کنند به گونه‌ای وارد یک رابطه شود که از آن لذت ببرند. بحث لذت و ارتباط جنسی در این دوره پررنگ می‌شود (همان: 358).

طلوعی همچنان نتیجه می‌گیرد: برای فهم تحولات عشق در بستر زمان، باید علاوه بر مقتضیات جامعه، منطق درونی عشق را نیز درنظر داشت. و از سویی دیگر تاکید دارد که در جامعه مدرن امروز تداوم عشق امری دشوار است و ممکن است حتی به‌مرور به تنفر نیز تبدیل شود. بنابراین باید عشق را به عنوان فرایند انسانی آموخت:

عشق همان زندگی است. نباید با پس زدن عشق گمان کنیم که زندگی را مدیریت کرده‌ایم، بلکه بدون عشق از زندگی فاصله گرفته‌ایم. باید اجازه دهیم عشق در لا‌به‌لای زندگی‌مان ریشه کند و راه تعالی را بیاید تا به الگوی متعالی روابط انسانی دست پیدا کنیم (همان: 365).

برخلاف عنوان کتاب که گویای جامعه‌شناسی عشق است، چنین کتابی انتظار خواننده علاقه‌مند را برآورده نمی‌کند. در فصول مختلف از منظر ادبی، تاریخی، دینی به عشق نظر شده و اطلاعات گوناگونی آورده شده است اما به بحث جامعه‌شناسی عشق که می‌رسیم شاهد نوعی فقر آشکار هستیم که انتظار می‌رفت در این‌جا رویکرد جامعه‌شناسان به عشق بیشتر گزارش شود و تحقیقاتی که در این زمینه شده است معرفی و تحلیل شود. این‌ در‌حالی است که با وجود عنوان فصل چهار که رویکرد جامعه‌شناسی است نویسنده بخشی از فصل را به نظریات روان‌شناسی اختصاص داده است. در این‌ صورت خواننده ناکام کتاب را به پایان می‌رساند و همچنان در انتظار اثری شایسته این عنوان می‌ماند.

**منبع**

طلوعی، علی (1397). *جامعه‌شناسی عشق*، تهران: جامعه‌شناسان.

سیده فاطمه آقامیری

دانشجوی دکتری مطالعات زنان

Sf.aghamiri@urd.ac.ir

20/6/97

1. 1- اثر الیف شفق ترجمۀ مریم رضایی [↑](#footnote-ref-1)
2. 2- اثر سوزان ام جانسون ترجمۀ وحید تقی پور انوری [↑](#footnote-ref-2)
3. 3- ترجمۀ آرش نراقی [↑](#footnote-ref-3)
4. 4- اثر مهشید صفایی [↑](#footnote-ref-4)
5. 5- اثر استاندال ترجمۀ گلاره جمشیدی [↑](#footnote-ref-5)
6. 6- اثر آلن دوباتن ترجمۀ گلی امامی [↑](#footnote-ref-6)
7. 7- اثر علی طلوعی [↑](#footnote-ref-7)